

جامعه‌پذیری مصرف آب در آینه کتب درسی

تحلیل محتوای آب در کتب علوم اجتماعی

حسین دهقان* ، ناصر پوررضا کریم سرا**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۳۰

چکیده

تحلیل محتوای کتاب‌های درسی علوم اجتماعی در مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان که نتایج آن در این مقاله ارائه شده با این هدف انجام شده که به این پرسش پاسخ دهد که «در متون آموزشی علوم اجتماعی تا چه میزان به مفاهیم و پیام‌های مربوط به آب پرداخته شده است؟» برای پاسخگویی به این پرسش و انجام پژوهش پس از مطالعات نظری مقدماتی الگوی مورد نظر برای تحلیل محتوا استخراج و پس از تعیین روایی و پایایی الگو کار تحلیل آغاز شد.

در این تحقیق، از روش تحلیل محتوا به شکل تجزیه و تحلیل کمی استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق، کتاب‌های علوم اجتماعی اول ابتدایی تا پایان دبیرستان بوده است. بر این اساس نمونه آماری با جامعه آماری برابر

* عضو هیات رئیسه انجمن جامعه‌شناسی آموزش و پرورش ایران (نویسنده مسئول). dehqan.azad@gmail.com

naser.poorreza@gmail.com

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه.

می‌باشد به‌بیان‌دیگر مطالب برای احصای دقت بیشتر در نتایج، تمام شماری شده است.

یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای متون کتاب‌های علوم اجتماعی، نشان می‌دهد میزان مطالب مربوط به آب بسیار کم بوده و از سوی دیگر تنها دو مطلب در خصوص صرفه‌جویی و یک مطلب در زمینه استفاده بهینه در مصرف آب در کتاب‌های علوم اجتماعی منعکس شده است. بر این اساس به نظر می‌رسد برخی فصول کتب علوم اجتماعی در مقاطع تحصیلی مختلف به علت عدم توجه کافی به آموزش شیوه‌های مصرف بهینه آب نیاز به بازنگری مجدد دارد.

واژه‌های کلیدی: کتاب علوم اجتماعی، تحلیل محتوا، آب و

صرفه‌جویی، کتب درسی

۱- مقدمه

در فرهنگ کهن ایران زمین آب از جایگاه خاصی برخوردار و در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی ما حضور داشته و به‌عنوان نعمت خدادادی همواره مورد احترام بوده است. به‌گونه‌ای که بسیاری از ضرب‌المثل‌های و نمایش‌های آیینی اقوام ایرانی حضور دارد. از جمله آن‌ها می‌توان به جشن تیرگان در تابستان و هنگام کمبود باران و یا جشن‌های آب و آیین‌های آب خواهی از کمیت و کیفیت ویژه‌ای برخوردار بوده و در گذشته برگزار می‌شده، می‌شود اشاره کرد (فرهادی ب، ۱۳۶۴: ۷). همان‌طور که دکتر فرهادی اشاره می‌کند "تقدس و نیایش آب از آیین‌های بسیار کهن جهان و به‌ویژه تمدن‌های هند و چین، ایران و مصر باستان می‌باشد. به همین خاطر بسیاری از دریاها و دریاچه‌ها و رودخانه‌ها، چشمه‌ها و چاه‌های آب در این سرزمین مورد ستایش قرار می‌گرفته و تقدس ویژه داشته‌اند" (فرهادی الف، ۱۳۶۴: ۲). بر این اساس آب در حیات انسانی نقش مهم و تأثیرگذاری دارد و آن را می‌توان یکی از شاخص‌های مهم توسعه به‌حساب آورد. از سویی خاورمیانه به‌طور عام و کشور ما ایران به‌طور خاص، با

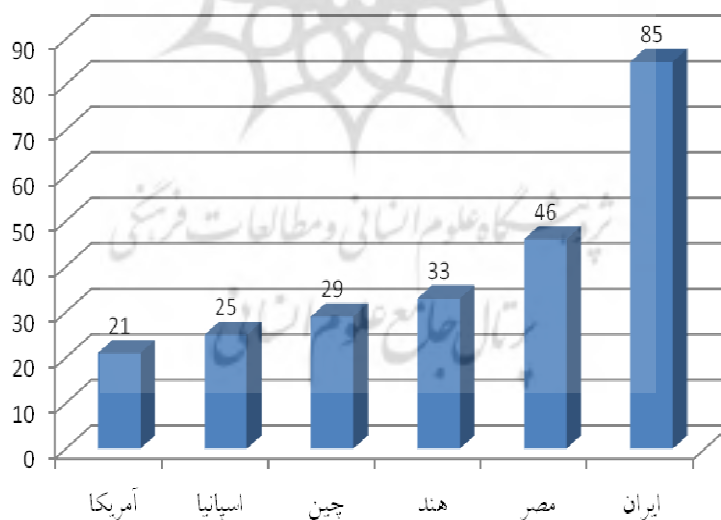
توجه به ساختار و شرایط جغرافیایی منطقه از جمله خشکسالی‌های متناوب و کمبود منابع زیرزمینی و عدم ذخیره آب شیرین، جزء مناطق کم آب دنیا به شمار می‌رود. قرار گرفتن منطقه خاورمیانه در کمربند خشک جهان موجب شده باوجود دارا بودن ۵ درصد جمعیت جهان تنها ۱ درصد آب‌های شیرین در این منطقه واقع است (شوتار، ۱۳۸۶: ۷۹). گزارش صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد منطقه خاورمیانه در میان تمامی مناطق جهان کمترین منابع آب تجدید پذیر را در اختیار دارد. طبق پیش‌بینی‌ها سرانه آب قابل دسترس در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در سال ۲۰۵۰ میلادی به نصف کاهش خواهد یافت. این در حالی است که این منطقه از پرمصرف‌ترین مناطق جهان نیز هست. (International Monetary Fund, 1015: 4). همچنین "موسسه منابع جهانی در تازه‌ترین گزارش مورخ ۲۶ آگوست (۴ شهریور) اعلام کرد: ۱۴ کشور از ۳۳ کشوری که سال ۲۰۴۰ (۱۴۱۹ ه.ش) با کمبود جدی آب مواجه خواهند بود، جزو کشورهای حوزه خاورمیانه هستند. میزان تقاضا برای آب به احتمال زیاد طی چند دهه آینده همچون موجی رو به افزایش خواهد گذاشت" در این رده‌بندی ایران در جایگاه سیزدهم قرار دارد (حیدری، ۱۳۹۴: ۱۲). از سوی دیگر رشد جمعیت در این مناطق با توجه به نیاز بخش‌های مختلف اعم از کشاورزی، صنعتی و خانگی عامل تشدیدکننده کم‌آبی محسوب می‌شود.

عامل دیگری که نقش فزاینده در این فرایند دارند، می‌توان به برداشت‌های غیرمتعارف و بی‌رویه از منابع آب‌های زیرزمینی و نیز آلوده نمودن این آب‌ها اشاره کرد. چرا که در اغلب موارد در نتیجه آلوده شدن آب استفاده از آن غیرممکن و در برخی موارد تصفیه و بازیافت آن صرفه اقتصادی ندارد. بر اساس برآوردهای موجود، حداقل ۵۰ کشور جهان تا سال ۲۰۵۰ با کمبود آب شیرین مواجه می‌شوند که ایران نیز در ردیف همین کشورها است (دیوید، ۲۰۰۵: ۹۷).

با توجه به این که ۵۴ درصد از نیازهای آبی کشور از منابع زیرزمینی تأمین می‌شود. به گفته معاون وزیر نیرو، ایران حدود ۱۳۰ میلیارد مترمکعب آب تجدیدشونده

داشته و این رقم به دلیل خشکسالی و تغییر اقلیم به ۱۱۵ میلیارد مترمکعب آب تجدیدشونده کاهش یافته است. اگر کشوری در شرایط اقلیمی ایران حداکثر ۴۰ درصد از منابع آب تجدید پذیر را استفاده کند، در وضعیت عادی است و استفاده بیش از آن وارد مرحله تنش آبی می‌شود. وی بر این باور است که در کشور به جای ۴۰ درصد بالغ بر ۸۵ درصد از منابع آب تجدید پذیر مصرف شده است. (خبرگزاری فارس، ۲۷ آبان ماه ۹۳).

باید توجه داشت که در الگوهای صحیح مدیریت آب، انسان نباید بیش از ۴۰ درصد آب تجدیدپذیری که طبیعت در اختیار او می‌گذارد را استفاده کند. هرچند این عدد با توجه به جغرافیای ایران تا ۵۰ درصد هم می‌توان در نظر گرفت. بر این اساس ما باید میزان مصرف را حداقل به ۵۰ میلیارد مترمکعب کاهش دهیم. درحالی‌که ایرانیان سالانه ۸۵ درصد آب‌های تجدیدشونده خود را مصرف می‌کنند. این رقم در آمریکا ۲۱ درصد، اسپانیا ۲۵ درصد، هند ۳۳ درصد، مصر ۴۶ درصد و چین ۲۹ درصد است. (کلانتری، ۱۳۹۳).



نمودار ۱- مقایسه درصد استفاده سالانه از آب‌های تجدیدشونده

جامعه‌پذیری مصرف آب در آیینه کتب درسی ... 289

از سوی دیگر با نگاهی به آخرین مطالعات انجام شده شاهد کاهش حجم آب تجدید پذیر کشور بر اساس آخرین مطالعات هستیم که این میزان از ۱۳۰ میلیارد مترمکعب به ۱۰۴ میلیارد رسیده است.

جدول ۱- حجم آب تجدید پذیر کشور بر اساس آخرین مطالعات انجام شده توسط وزارت نیرو

دوره	حجم (میلیارد مترمکعب)
۴۵ ساله دوره ۱۳۳۴-۱۳۷۸	۱۳۰
۴۵ ساله دوره ۱۳۴۸-۱۳۹۲	۱۲۲,۵
۱۵ ساله دوره ۱۳۷۸-۱۳۹۲	۱۱۵
۵ ساله ۱۳۸۸-۱۳۹۲	۱۰۴

مأخذ: مکنون، ۱۳۹۳

با توجه به شواهد پیش‌گفته که حاکی از ثابت بودن منابع آب و گاهی اوقات کاهش آن و از سویی رشد جمعیت، افزایش شهرنشینی است، این فرایند رشد شهرنشینی در جامعه ایران همان‌طور که دکتر فرهادی در مقاله فروهستگی ده و کژبالشی شهر ایرانی (۱۳۹۰) اشاره دارد شهرنشینی در ایران برخلاف غرب به تدریج، هماهنگ و بدون قطع نخاع فرهنگی و تاریخی اتفاق نیفتاده است. بلکه تحت تأثیر فرهنگ مصرفی غرب قرار گرفته است. "اگر در ایران و کشورهای نظیر ما نیز تغییرات معیشتی و اقتصادی همچون غرب درون‌زا بود و اگر از درون طراحی و مدیریت می‌شد نظام به شکل خودکار و طبیعی می‌توانست خودآگاهانه و ناخودآگاهانه، خود را به شکل مستمر بازسازی، ترمیم، تصحیح و تکمیل کند" (فرهادی، ۱۳۹۰: ۲۰).

بخش دیگری از این عوامل در حوزه زندگی اجتماعی و به عبارت دیگر مصرف مرتبط با سبک زندگی تعریف می‌شود برای مثال زمانی که کشاورزان در آبیاری زمین‌ها از الگوهای استفاده می‌کنند که موجب هدر رفت آب می‌شود یا رواج الگوهای نادرست در میان خانواده‌ها در استفاده از آب در زندگی روزانه می‌تواند عامل سبک زندگی و رفتارهای روزمره بر مصرف آب را به عنوان بخشی از عوامل موثر بر بحران آب مورد توجه و بررسی قرار داد (دهقان و پوررضا کریم سرا، ۱۳۹۵: ۲۴۹). سبک زندگی یک متغیر بی‌تأثیر و خنثی نیست و زمینه بروز مجموعه جدید از هویت‌های اجتماعی با نظام ارزشی می‌تواند متمایز باشد علاوه بر آن قدر سیالیت این متغیر تا حدی است که می‌تواند به آسانی حلقه‌های اتصال و هم پیوندی خود را فراتر از بسترهای مرسوم تثبیت شده ببرد (پوررضا کریم سرا، ۱۳۹۲: ۱۸). بر این اساس سیاست‌های راهبردی برای مدیریت در بخش آب و تمرکز بر الگوهای بهینه مصرف آب ضروری به نظر می‌رسد. لازمه این امر ابتدا آگاهی بخشی در خصوص پیامدهای مصرف بی‌رویه آب و بحران‌های پیشرو در صورت کمبود منابع آب می‌باشد. و در مرحله بعد آموزش‌های لازم و زمینه‌سازی برای درونی شدن آموزه‌ها است. تنها در این حالت است که می‌توان بهبود مشارکت کنشگران در فرآیند مدیریت منابع آب را داشته باشیم. به‌ویژه این مهم با تمرکز بر دوران جامعه‌پذیری دانش آموزان ممکن و میسر خواهد بود. در این شرایط نقش مدرسه به‌عنوان نهادی فرهنگ‌ساز و جامعه‌پذیر خطیر است. چرا که پس از خانواده، مدرسه نقش مهم و عمده‌ای در جامعه‌پذیری افراد بخصوص کودکان و نوجوانان ایفا می‌کند. و از طریق عناصر آموزشی مانند کتب، آموزگاران و منابع درسی باعث تغییرات نگرشی و ارزشی و نهایتاً سبک زندگی در جامعه خواهد شد.

در واقع به آفرینی و تحول بهگرا انتظاری است که از نظام آموزشی هر ملت برای نیل به اهداف و منافع ملی که در جهت تغییرات مثبت و توسعه پایدار ایفای نقش کند قابل انتظار است. لازمه چنین به آفرینی، پویای درونی و انطباق بیرونی با اهداف پویا

است (برای مطالب افزونتر ر.ک. دهقان، ۱۳۸۳). آموزش و پرورش‌ی که راهبردهای جامعه‌پذیری بایسته نداشته باشد، نه تنها نمی‌تواند در فرایند توسعه پایدار سهیم باشد، بلکه به صورت مانعی بر سر راه آن عمل می‌کند. این ناکارآمدی در گذر زمان موجب استمرار و بازتولید کاستی‌ها در نسل‌ها شده و به صورت آشکارتر قابلیت حل مسائل جدید مانند مدیریت مصرف بهینه آب را نیز نخواهد داشت. این در حالی است که تغییرات در جهان کنونی رشد فزاینده‌ای یافته و هر دوره با مسائل نوی روبرو هستیم، به گونه‌ای که حتی لحظه‌ها تعیین‌کننده هستند. جهانی بدین‌سان پرشتاب، دیگر کندی و تأخیر به‌ویژه از سوی نهادهای جامعه‌پذیر کننده مانند آموزش و پرورش آن‌هم در موضوعی بس گران‌سنگ برای ما که در اقلیمی نیمه‌خشک قرار داریم را نمی‌پذیرد.

اما کدامین نظام آموزشی می‌تواند با چنین تغییرات پرشتابی همساز باشد و به نیازهای نو به نو پاسخ بایسته دهد؟ به عبارت دیگر، کدامین نظام آموزشی می‌تواند با سهیم شدن در فرایند توسعه پایدار و همه‌جانبه، به عنوان یک آموزش و پرورش به آفرین عمل کند؟ در پاسخ باید گفت کارکرد بنیادی آموزش و پرورش عمدتاً از مجرای جامعه‌پذیری اعمال شده و فعلیت می‌یابند. کارکردی که با شکل‌گیری نظام شخصیتی افراد جامعه، می‌تواند اهداف آن را در نسل بعدی محقق کند. شخصیتی که با قاطعیت می‌توان از آن به عنوان یک محصول اجتماعی نام برد. چرا که انسان‌ها در بطن جامعه، پا به عرصه زندگی گذاشته و در بستر پرفرازونشیب آن عمر را سپری می‌کنند.

حال پرسش این است که مطالب کتاب‌های علوم اجتماعی مقاطع مختلف به عنوان یکی از ارکان نظام آموزشی تا چه میزان به موضوع آب پرداخته‌اند و آموزش‌های مستقیم و تأثیرات اجتماعی کننده غیرمستقیم آن‌ها در خصوص شیوه و الگوی بهینه مصرف آب، به چه صورت است؟ آیا اساساً در کتب علوم اجتماعی به عنوان مسئله‌ای چنین پراهمیت به موضوع آب پرداخته شده است؟ و اگر چنین است تا چه حد و چگونه؟

۲- اهداف تحقیق

- ۱- بررسی محور موضوعات برجسته‌سازی در کتاب‌های علوم اجتماعی
- ۲- بررسی گفتمان و رویکرد کتاب‌های علوم اجتماعی
- ۳- ارائه پیشنهادها در خصوص تقویت رویکرد آموزشی و اقناعی کتاب‌های علوم اجتماعی در زمینه آب
- ۴- بررسی میزان توجه کتاب‌های علوم اجتماعی به موضوع صرفه‌جویی در مصرف آب

۳- مروری بر پیشینه تحقیق

در زمینه تحلیل محتوای کتب درسی تحقیقات زیادی انجام گردیده است و هر یک از این تحقیقات از منظر خاص به محتوای کتب درسی نگریسته‌اند. در این بین تنها یک تحقیق در خصوص صرفه‌جویی آب در کتاب‌های درسی مدارس بوده که توسط دکتر حسین افخمی انجام شده و در شماره ۶ مجله جهانی رسانه در سال ۱۳۸۷ چاپ گردیده است، که نتایج تحلیل محتوای انجام شده بر روی ۸۲ عنوان کتاب درسی در سه مقطع تحصیلی مدارس کشور را ارائه می‌کند. هدف از این مطالعه، شناخت مکانیسم‌های آموزشی-ارتباطی نهفته در کتب درسی و میزان اثربخشی آن‌ها در جامعه‌پذیری کودکان در حوزه صرفه‌جویی در مصرف آب است. یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که سهم مطالب مربوط به موضوع آب که در ۲۰ مقوله اجتماعی و فنی مورد ارزیابی قرار گرفت، نزدیک به دو درصد از مطالب کتاب‌ها را داراست. ایماژ ارائه شده در کتاب‌ها بسیار خوش‌بینانه است و سهم عمده‌ای از مطالب از فراوانی آب در طبیعت سخن می‌گوید. در مقابل سهم مطالب مربوط به کمیابی، دشواری تأمین آب سالم و روش‌های مصرف بهینه آن در کمتر کتاب درسی به آن‌ها اشاره شده است. از مجموع نزدیک به یازده هزار صفحه مطالب مورد ارزیابی کمتر از نیم‌صفحه و تنها در

دو کتاب درسی بر لزوم صرفه‌جویی و مصرف بهینه آب اشاره شده است. سطح زیر چاپ مطالب مربوط به آب در کتاب‌های درسی با وجود اهمیت موضوع بسیار اندک است؛ به طوری که در موضوع‌هایی همچون تصفیه آب یا ویژگی‌های آب سالم فقط ۷ عبارت معادل کمتر از ۲ درصد از مطالب به دو مقوله تصفیه‌خانه‌ها و روش‌های تصفیه آب تعلق دارد. افزایش سهم مطالب مرتبط با آب یک ضرورت به نظر می‌رسد. موضوع مصرف بهینه و خودداری از اسراف در استفاده از آب به‌استثنای چند عبارت کوتاه در کتاب تعلیمات دینی، مطلب دیگری به‌ویژه در بافت مشکلات اقتصادی و رفتاری مصرف مشاهده نمی‌شود.

در گروه‌بندی ۱۲ گانه کتاب‌های درسی نشان می‌دهد. از بین ۴۰۳ عبارت مربوط به موضوع آب، بیشترین عبارت‌های کدگذاری شده به ترتیب به گروه‌های درسی علوم تجربی ۲۳ درصد، شیمی با ۱۸/۵ درصد و جغرافی با ۱۳/۶ درصد تعلق دارد. و کمترین مقدار به ترتیب به زبان با ۰/۵ درصد، فیزیک با ۱ درصد و علوم اجتماعی با فراوانی ۷ مطلب (۱/۷ درصد)، اختصاص داشته است.

تفاوت عمده این تحقیق با تحقیق افخمی در این است که در سال ۹۳ کتاب‌های علوم اجتماعی مدارس تغییرات عمده‌ای داشته و به‌طور کلی سرفصل‌های آن تغییر داشته است بر این اساس مطالعه مجدد کتاب‌های علوم اجتماعی ضروری به نظر رسیده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۴- مبانی نظری

فرایند جامعه‌پذیری گذار گران‌سنگی است که طی آن نظام شخصیتی در تعامل و گاه تقابل بین انتظارات اجتماعی که چیزی جز ابزار اعمال کنترل‌ها و نهایتاً تنظیمات رفتار انسان‌ها به‌وسیله جامعه نیست، از یک‌سو و همچنین خواست‌ها و نیازهای آدمی در سوی دیگر، شکل گرفته و به وجود می‌آید. چنین نظام شخصیتی نهایتاً ترکیبی بسیار ظریف از خواسته‌ها، امیال شخصیتی و نیازهای بدنی و انتظارات جامعه است. انتظاراتی

که عموماً در قالب هنجارهای اجتماعی تعریف شده و تشویق‌ها و توبیخ‌های دیگران، به‌ویژه دیگران تعمیم‌یافته، آن را بر فرد عرضه، و گاه تحمیل می‌کند. در این فرایند، قطب‌های مهمی ایفای نقش می‌کنند. یکی از این قطب‌ها، آموزش و پرورش است. زمانی که از آموزش و پرورش سخن به میان می‌آید، هم به‌عنوان یک نهاد اجتماعی و در سطحی وسیع مورد نظر است و هم در سطحی محدودتر اما پراهمیت که از آن با تعبیر سطح سازمانی آموزش و پرورش یاد می‌شود. مؤسسات مرتبطی که سطح دوم را سامان می‌دهند غالباً به سازمان‌های آموزشی نوین یا نظام آموزشی شهرت دارند. در هر دو سطح، آموزش و پرورش از طریق فرایند جامعه‌پذیری، طیف متنوع ولی درهم‌تنیده‌ای از کارکردها را دارا بود که از طریق آن‌ها می‌تواند به گونه‌های مختلف بر سبک زندگی آدمیان تأثیر با ثبات و البته مهم بگذارد.

در دوران کودکی، ما فقط قادر به درونی کردن انتظارات افراد خاصی همچون والدین هستیم، لیکن هم چنان‌که بزرگ‌تر می‌شویم، به تدریج می‌آموزیم که انتظارات دیگران تعمیم‌یافته، یعنی به‌طور کلی، گرایش‌ها و نظرگاه‌های جامعه را نیز باید درونی کنیم. این مفهوم عام درونی شده از انتظارات اجتماعی زمینه را برای ارزیابی خود و سپس برای درک خود فراهم می‌سازد (رابرستون، ۱۳۷۴: ۱۲۱). در واقع سازه بنیادی «دیگران تعمیم‌یافته» که می‌تواند چگونگی فرایند جامعه‌پذیری را توضیح دهد توسط جرج هربرتمید مطرح می‌شود. او معتقد است دریافت یک چنین الگوی رفتاری از یک جامعه سازمان‌یافته بر اساس کنش‌های بین افراد درگیر در آن جامعه، پایه ضروری و پیش‌نیاز توسعه شخصیت فرد است. این فرایند تا آنجایی پیش می‌رود که فرد از رفتارهای جامعه سازمان‌یافته‌ای که متعلق به آن است در رابطه با فعالیت‌های مختلف اجتماعی تأثیر گرفته و بتواند یک شخصیت کامل را سامان دهد. از طرف دیگر، فرایندهای مشارکتی پیچیده و فعالیت‌های سازمانی درون جامعه سازمان‌یافته انسانی تنها تا زمانی ممکن است که تمامی افرادی که در آن جامعه هستند بتوانند از رفتارهای کلی

دیگران در رابطه با این فرایندها استفاده کنند و بتوانند بر اساس آن روش خاص خود را به‌پیش برند.

از این منظر، در قالب دیگران تعمیم‌یافته است که فرایند اجتماعی بر رفتار افراد درگیر در آن تأثیر می‌گذارد. برای مثال در رابطه با تشکلی که رفتار اعضایش را کنترل می‌کند، این‌طور است که تفکر قالب در این جمع به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده در ذهن اعضا نفوذ می‌کند. به‌طور خلاصه شخص از روش و رفتار «دیگران تعمیم‌یافته» در رابطه با خودش پیروی می‌کند بدون در نظر گرفتن هر شخص دیگری و یا طرز فکر و رفتاری که او در ارتباط با افراد دیگر درگیر در یک موقعیت و فعالیت اجتماعی کسب کرده است. در این‌بین فرد تنها با در نظر گرفتن رفتاری که دیگران تعمیم‌یافته به هر نحوی با وی داشته، می‌تواند این رفتار و تفکر را به‌عنوان تفکر قالب دنیای مستقل خود تلقی کند. در این سیستم بازگشت از پیش‌فرض‌ها و تصوراتی که شخص از مفاهیم معمول اجتماعی داشته میسر است.

مید دو مرحله کلی در شکل‌گیری شخصیت (خود) را مشخص می‌کند. در اولین مرحله شخصیت فرد به‌سادگی توسط رفتارهایی که بین افراد یک سازمان که فرد مورد نظر نیز عضو آن است شکل می‌گیرد. اما در مرحله دوم که مرحله شکل‌گیری کامل شخصیت است، شخصیت فرد تنها بر اساس رفتار افراد به‌خصوص سازمان شکل نمی‌گیرد بلکه این «دیگران تعمیم‌یافته» که فرد متعلق به آن است و جامعه‌پذیری فرد را محقق می‌کند. این رفتارهای اجتماعی وارد تجربیات شخصی فرد می‌شود و نقش اساسی در ساخت شخصیت فرد بازی می‌کند، در واقع به همان طریقی که رفتار تک‌تک افراد بر روی شخصیت فرد تأثیر می‌گذارد، رفتار کلی و تعمیم‌یافته یک جمع و گروه نیز مستقلاً تأثیر خود را دارد (Mead, 1934).

بدین‌سان می‌توان گفت که جامعه‌پذیری، این‌گذار پراهمیت فرایندی را شامل می‌شود که در طی آن با مشارکت فرد و جامعه، نظام شخصیتی ویژه‌ای در هر فرد پدید آمده و استحکام می‌یابد. عموماً محصول چنین فرایندی تعبیه یک جامعه کوچک‌تر در

درون هر فرد است که در تعامل خواسته‌ها و نیازهای فیزیولوژیک فرد با انتظارات اجتماعی به فرجام می‌رسد. این نظام شخصیتی به صورت پایه‌ای، نگرش‌ها، تمایلات اجتماعی - فرهنگی و رفتارهای کلی کنشگران اجتماعی را رقم می‌زند. بعد خاصی از فرایند طولانی و پیرامنه جامعه‌پذیری به چگونگی نگرش‌ها، رفتارها و راهبردهای مرجح فرد در مواجهه با آموزش و یادگیری مربوط می‌شود که عمدتاً توسط دو نهاد خانه و مدرسه تکوین می‌یابد (دهقان، ۱۳۹۰). بنابراین، از بین این دو بنگاه جامعه‌پذیری، مدرسه با در برگرفتن گروه همالان، به‌ویژه در مقاطع سنی بالاتر تأثیر محکم‌تری بر نوجوانان و جوانان می‌گذارد. این تأثیرات خواه‌ناخواه در الگوهای رفتاری که مجموعاً در سبک زندگی و از جمله مصرف آب به‌عنوان مهم‌ترین موضوع ملی ما ظهور و بروز پیدا می‌کند.

محصول فرایند جامعه‌پذیری در الگوهای رفتاری فرد، که در بعد وسیع‌تر سبک زندگی نامیده می‌شود قابل مشاهده است. بوردیو جامعه‌شناس فرانسوی با تمرکز بر این مهم، قالب‌های خاصی را که در مشارکت ذهن و جهان اجتماعی حاصل می‌آید در سبک زندگی و به‌صورت خاص مصرف مورد توجه قرار می‌دهد. از نظر بوردیو انسان‌ها از طریق ساختار ذهنی با جهان اجتماعی برخورد می‌کنند. انسان‌ها مجهز به مجموعه‌ای از طرح‌واره‌های پایدار ذهنی هستند که با آن‌ها جهان اجتماعی‌شان را ادراک، فهم، ارزیابی و ارزش‌گذاری می‌کنند. (ریتزر، ۱۳۷۴: ۷۲۱) همان‌گونه که مید نیز اشاره دارد، سازه‌های ذهنی را می‌توان به‌عنوان یک پدیده و محصول جمعی در نظر آورد. سازه‌هایی که در هر زمانی طی فراگرد تاریخ جمعی ساخته و پرداخته می‌شود و درعین حال ماندگار و انتقال‌پذیر است. بوردیو با به میدان آوردن مفهوم «ذائقه» آن را با دیگر مفاهیم مورد نظر خودش که همان سازه ذهنی است، پیوند می‌زند. در شکل دادن ذائقه‌ها گرایش‌های ریشه‌دار مبتنی بر ساختمان ذهنی بسیار مهم‌اند. ترجیح‌های مردم در مورد مادی‌ترین جنبه‌های فرهنگ، مانند: پوشاک، خوراک و اثاث منزل بر مبنای

جامعه‌پذیری مصرف آب در آینه کتب درسی ... 297

ساختمان ذهنی‌شان انجام می‌گیرد. همین تمایلات است که وحدت ناآگاهانه یک طبقه را قوام می‌بخشد (ریتزر، ۱۳۷۴: ۷۲۸).

۵- روش تحقیق و واحد تحلیل

این پژوهش توصیفی و از نوع تحلیل محتوای کمی است. از نظر «برلسون» (Berelson)، تحلیل محتوا نوعی تکنیک پژوهش است، برای توصیف عینی^۱، منظم^۲ و کمی^۳ محتوای آشکار ارتباطات (برلسون، ۱۹۵۴: ۴۸۹). برای برخی از محققان تحلیل محتوا چیزی جز شمارش چیزها (کلمات، صفحات، رنگ‌ها) نمی‌نماید (کرپیندورف، ۱۳۸۳: ۲۶). هولستی پنج نوع عمده واحد ثبت را شامل کلمه یا نماد، مضمون، کاراکتر (شخصیت)، پاراگراف و مورد (عنوان) می‌داند (هولستی، ۱۳۷۳: ۱۸۴-۱۸۲) در این تحقیق واحد تحلیل نیز شامل هر یک از مطالب کتاب‌های علوم اجتماعی شامل کلمه و آیت (تصویر) در مقاطع مختلف تحصیلی (سوم ابتدایی، چهارم ابتدایی، پنجم ابتدایی، شش ابتدایی، پایه هفتم راهنمایی، پایه هشتم راهنمایی و کلاس اول دبیرستان) که به صورت مستقیم و غیرمستقیم مربوط به آب بوده‌اند می‌باشد.

۶- شیوه نمونه‌گیری و روش جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات

شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق تمام شماری بوده است به گونه‌ای که هر کلمه و تصویر مربوط به آب در کتاب‌های علوم اجتماعی جزء نمونه ما قرار داشته‌اند. کوهن مراحل و فرایند تحلیل محتوا را شامل تقسیم‌بندی و شکستن متن به واحدهای تحلیل، بررسی آماری واحدهای تحلیل و ارائه یافته‌ها به شکل آماری می‌داند (Sándorová, 2014: 98)،

-
۱. objevtive
 ۲. systematic
 ۳. uantitative

بر این اساس همه مطالب کتاب‌های علوم اجتماعی در قالب نحوه ارتباط، محور موضوعات، منابع آب، گفتمان و رویکرد، حجم مطلب، مصرف‌کنندگان آب و نحوه ارائه مقوله‌بندی شد و بر اساس دستورالعمل محقق ساخته مورد بررسی قرار گرفته و کدگذاری گردید و وارد نرم‌افزار SPSS شد و در نهایت نتایج تحقیق استخراج گردید.

۷- یافته‌های

۷-۱- تعداد صفحات

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد، در مجموع صفحات کتاب‌های علوم اجتماعی ۹۰۲ صفحه بوده که بیشترین میزان با ۱۷۱ صفحه به کتاب علوم اجتماعی پایه هشتم راهنمایی اختصاص دارد.

جدول ۲- توزیع فراوانی صفحات کتاب‌های تعلیمات اجتماعی

مقطع تحصیلی	تعداد صفحات
سوم ابتدایی	۷۶
چهارم ابتدایی	۹۹
پنجم ابتدایی	۱۵۴
شش ابتدایی	۱۲۴
پایه هفتم (راهنمایی)	۱۵۲
پایه هشتم (راهنمایی)	۱۷۱
کلاس اول دبیرستان	۱۲۶
جمع کل	۹۰۲

۷-۲- مقطع تحصیلی

جامعه‌پذیری مصرف آب در آینه کتب درسی ... 299

همان طور که در جدول زیر مشاهده می‌شود، بیشترین فراوانی مطالب مربوط به آب با ۲۴/۱ درصد مربوط به پایه هفتم (راهنمایی) و پس از آن به ترتیب با ۲۰/۷ درصد به شش ابتدایی و با ۱۷/۲ درصد به چهارم ابتدایی اختصاص داشته است.

جدول ۳- توزیع فراوانی مطالب مربوط به آب در مقاطع تحصیلی مختلف

مقطع تحصیلی	فراوانی	درصد
پایه هفتم (راهنمایی)	۷	۲۴/۱
شش ابتدایی	۶	۲۰/۷
چهارم ابتدایی	۵	۱۷/۲
سوم ابتدایی	۴	۱۳/۸
پنجم ابتدایی	۳	۱۰/۳
پایه هشتم (راهنمایی)	۳	۱۰/۳
کلاس اول دبیرستان	۱	۳/۴
جمع کل	۲۹	۱۰۰

۳-۷- نحوه ارتباط

کاربرد مفهوم آب در کتاب تعلیمات اجتماعی از دو منظر مورد بررسی قرار گرفت. همان طور که در جدول زیر مشاهده می‌شود، ۳۴/۵ درصد به صورت مستقیم به موضوع آب مربوط بوده و ۶۵/۵ درصد به موضوعات آب در قالب رودخانه، دریا، اقیانوس و ... پرداخته‌اند.

جدول ۴- توزیع فراوانی نحوه ارتباط عبارتهای مرتبط با آب در کتاب تعلیمات اجتماعی

نحوه ارتباط	فراوانی	درصد
-------------	---------	------

۳۴/۵	۱۰	ارتباط مستقیم (طرح موضوع با صراحت)
۶۵/۵	۱۹	ارتباط غیرمستقیم (طرح موضوع به صورت ضمنی)
۱۰۰	۲۹	جمع کل

۴-۷- محور موضوعات برجسته‌سازی شده در متن در ارتباط با مقوله آب:

محتوای کلیه مطالب بر اساس مقولات مختلف کدگذاری شد. همان طور که در جدول زیر مشاهده می‌شود. بیشترین فراوانی مربوط به موضوع "آب و کشاورزی" با ۸ مورد (۲۷/۶ درصد) و پس از آن دو مقوله "آب و حیات انسانی" و "آب و جغرافیا" با فراوانی ۵ مورد (۱۷/۲ درصد) قرار داشته است.

همان‌گونه که از یافته‌های این تحقیق پیدا است، تنها دو مطلب در خصوص صرفه‌جویی و یک مطلب در زمینه استفاده بهینه در مصرف آب در کتاب‌های علوم اجتماعی منعکس شده است. در حالی که اهمیت موضوع مصرف بهینه همان طور که در جای‌جای مقاله نیز به آن اشاره شده برای سرزمین نیمه‌خشکی مانند ایران بر کسی پوشیده نیست. این ضرورت قطعاً حجم درخوری از مطالب را در مصرف بهینه آب نیاز دارد که البته واقعیات کتب درسی چنین مهمی را در خود منعکس نمی‌کند.

جدول ۵- توزیع فراوانی محور موضوعات برجسته‌سازی شده در متن در ارتباط با

مقوله آب

محور موضوعات	فراوانی	درصد
آب و کشاورزی	۸	۲۷/۶
آب و حیات انسانی	۵	۱۷/۲
آب و جغرافیا	۵	۱۷/۲
آب، بهداشت و پاکیزگی	۲	۶/۹
آب و تولید انرژی	۲	۶/۹
آب و صرفه‌جویی	۲	۶/۹
چرخه آب و منابع تأمین آن	۱	۳/۴
آب و استفاده بهینه	۱	۳/۴

۳/۴	۱	آب و آلودگی آن
۳/۴	۱	آب و سرحدات مرزی
۳/۴	۱	آب و تمدن بشری
۱۰۰	۲۹	جمع کل

۵-۷- رابطه بین موضوعات آب و صرفه‌جویی و استفاده بهینه با مقوله‌های

گفتمان و رویکرد، حجم مطلب آموزشی، نحوه ارائه و مصرف‌کنندگان آب

از ۳ مطلبی که در کتاب‌های علوم اجتماعی مقاطع مختلف به موضوع صرفه‌جویی و استفاده بهینه از آب پرداخته شده است، اطلاعات ریزتری در جدول بعدی آمده است. این مطالب به تفکیک متغیرهای مختلف مانند: نوع رویکرد، حجم و نحوه ارائه به شرح زیر در جدول منعکس است.

جدول ۶- رابطه بین موضوعات آب و صرفه‌جویی و استفاده بهینه با مقوله‌های گفتمان،

حجم مطلب آموزشی، نحوه ارائه و مصرف‌کنندگان آب

آب و استفاده بهینه	آب و صرفه‌جویی		
۱	۱	سوم ابتدایی	مقطع تحصیلی
۰	۱	پایه هفتم راهنمایی	
۱	۲	جمع کل	
۱	۱	اقتناعی	گفتمان و رویکرد
۰	۱	آموزشی	
۱	۲	جمع کل	
۱	۱	نصف صفحه	حجم مطلب آموزشی
۰	۱	کمتر از یک پاراگراف	
۱	۲	جمع کل	
۰	۱	عکس و طرح به‌تنهایی	نحوه ارائه
۱	۱	متن همراه با طرح	
۱	۲	جمع کل	

کشاورزی	۰	۰
صنعتی	۰	۰
خانگی	۲	۱
جمع کل	۲	۱

۶-۷- منابع آب

همان طور که مشاهده می‌شود، منبع آب مربوط به باران و برف با ۳۴/۵ درصد بیشترین مورد را به خود اختصاص داده و پس‌از آن به ترتیب رودخانه‌ها با ۲۴/۱ درصد و دریاها با ۲۰/۷ درصد قرار داشته‌اند.

جدول ۷- توزیع فراوانی منابع آب

منبع	فراوانی	درصد
باران و برف	۱۰	۳۴/۵
رودخانه‌ها	۷	۲۴/۱
دریاها	۶	۲۰/۷
قنات‌ها	۱	۳/۴
آب‌های زیرزمینی	۱	۳/۴
آب شهری	۱	۳/۴
اقیانوس	۱	۳/۴
بدون منبع	۲	۶/۹
جمع کل	۲۹	۱۰۰

۷-۷- گفت‌مان و رویکرد

303 جامعه‌پذیری مصرف آب در آینه کتب درسی ...

مطالب مورد ارزیابی در قالب سه مقوله اطلاع‌رسانی، اقناعی و آموزشی مورد بررسی قرار گرفت که در جدول بعد منعکس می‌باشد. در بین سه مقوله پیش‌گفته، بیشترین مورد مربوط به اطلاع‌رسانی به ۷۵/۹ درصد بوده و اقناعی ۱۳/۸ درصد و آموزشی ۱۰/۳ درصد را به خود اختصاص داده است.

جدول ۸- توزیع فراوانی گفتمان و رویکرد

گفتمان	فراوانی	درصد
اطلاع‌رسانی	۲۲	۷۵/۹
اقناعی	۴	۱۳/۸
آموزشی	۳	۱۰/۳
جمع کل	۲۹	۱۰۰

۸-۷- حجم مطلب

حجم مطالب در خصوص آب چه به‌صورت مستقیم و چه ضمنی حاکی از آن است که، ۳۴/۵ درصد مطالب به‌صورت نصف صفحه و ۳۴/۵ درصد به‌صورت یک پاراگراف بوده و ۳۱/۰ درصد کمتر از یک پاراگراف را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۹- توزیع فراوانی حجم مطلب

حجم مطالب	فراوانی	درصد
نصف صفحه	۱۰	۳۴/۵
یک پاراگراف	۱۰	۳۴/۵
کمتر از یک پاراگراف	۹	۳۱/۰
جمع کل	۲۹	۱۰۰

۹-۷- نحوه ارائه

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در خصوص نحوه ارائه مطالب مربوط به آب ۴۴/۸ درصد متن همراه طرح، ۳۴/۵ درصد متن همراه با عکس، ۱۷/۲ درصد متن و ۳/۴ درصد طرح به تنهایی بوده است.

جدول ۱۰- توزیع فراوانی نحوه ارائه مطلب

درصد	فراوانی	نحوه ارائه
۴۴/۸	۱۳	متن همراه با طرح
۳۴/۵	۱۰	متن همراه با عکس
۱۷/۲	۵	متن
۳/۴	۱	طرح به تنهایی
۱۰۰	۲۹	جمع کل

۱۰-۷- مصرف‌کنندگان آب

بر اساس نتایج این تحقیق، ۴۱/۴ درصد مطالب مربوط به آب بدون ذکر مصرف‌کننده آب، ۳۴/۵ درصد مصرف کشاورزی و ۲۰/۷ درصد مصرف خانگی و تنها ۳/۴ درصد مصرف صنعتی ذکر شده است.

جدول ۱۱- توزیع فراوانی مصرف‌کنندگان آب

درصد	فراوانی	مصرف‌کننده
۴۱/۴	۱۲	بدون ذکر مصرف‌کننده آب
۳۴/۵	۱۰	کشاورزی

۲۰/۷	۶	خانگی
۳/۴	۱	صنعتی
۱۰۰	۲۹	جمع کل

۸- نتیجه‌گیری

مشخص شد که ایران یکی از کشورهای است که به دلایل مختلف از جمله توسعه نامتوازن و نیز شرایط جغرافیایی و آب هوایی در دهه اخیر با انواع چالش‌های زیست‌محیطی مواجه شده است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها خشکسالی است که در تعدادی از شهرهای کشور به‌ویژه در محدوده مرکزی، استمرار بیش از ۷ سال داشته است. در چنین شرایطی تغییر رفتار مصرف آب و نیز آموزش در حفظ و نگهداری محیط‌زیست، به‌صورت تلفیقی در علوم و ارائه الگوها و شیوه‌های مناسب بهره‌برداری و استفاده از منابع طبیعی، نقش مهمی در تغییر الگوی مصرف آب و نیز نگهداری از محیط‌زیست دارد. این‌ها در حالی است که "

در این بین ساختارهای اجتماعی، نظام اخلاقی و باورها و ارزشی حاکم بر جامعه عامل اثرگذار بر کنشگران است. در این مقاله تلاش شده است که به الگوها و مطالب ارائه شده در کتب علوم اجتماعی اول ابتدایی تا پایان دبیرستان ایران در خصوص آب و منابع آبی مورد ارزیابی قرار گیرد و این که تا چه حد این کتب و منابع که نقش مهم و اساسی در جامعه‌پذیری کودکان و نوجوانان دارند به این مهم توجه داشته‌اند.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ۳۴/۵ درصد به‌صورت مستقیم به موضوع آب مربوط بوده و ۶۵/۵ درصد به موضوعات آب در قالب رودخانه، دریا، اقیانوس و ... پرداخته‌اند و بیشترین فراوانی مربوط به موضوع "آب و کشاورزی" با ۸ مورد (۲۷/۶ درصد) و پس از آن دو مقوله "آب و حیات انسانی" و "آب و جغرافیا" با فراوانی ۵

مورد (۱۷/۲ درصد) قرار داشته است. در اینجا توجه به این نکته ضروری است که با توجه به نقش تعیین‌کننده آب برای زندگی بشری آن‌هم در کشوری که بیش از نیمی از آن در مناطق خشک و نیمه‌خشک قرار دارد توجه به مقوله «آب و حیات» انسانی، تبیین مفاهیم مربوط به اهمیت آب در زندگی، تنها در ۱۷/۲ درصد مطالب مورد توجه قرار گرفته است.

می‌توان گفت که در کتاب‌های علوم اجتماعی هم که می‌بایست کارکردهای آموزشی در شناخت جامعه و نیز انتقال مهارت و تقویت فهم دانش آموزان از نقش اجتماعی خودشان به‌عنوان یک منبع جامعه‌پذیر کننده در کانون کتب درسی قرار گیرد، بر اساس یافته‌های این تحقیق عمدتاً آب از منظر جغرافیا و علوم مثل برف و باران، رودخانه‌ها و دریاها آموزش داده شده و این مقولات سهمی به‌مراتب بیشتر از «آب و حیات» انسانی داشته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که منبع آب مربوط به باران و برف با ۳۴/۵ درصد بیشترین مورد را به خود اختصاص داده و پس‌از آن به ترتیب رودخانه‌ها با ۲۴/۱ درصد و دریاها با ۲۰/۷ درصد قرار داشته‌اند. همچنین در خصوص گفتمان و رویکرد، بیشترین مورد مربوط به اطلاع‌رسانی با ۷۵/۹ درصد بوده و اقناعی ۱۳/۸ درصد و آموزشی ۱۰/۳ درصد را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که با توجه به این که اصلی‌ترین کارکرد کتاب‌های درسی به‌ویژه در حوزه علوم اجتماعی تأثیر پایدارتر بر منش و رفتار نسل بعد باید باشد، انتظار این است که گفتمان مباحث به ترتیب، اقناعی، آموزشی و اطلاع‌رسانی باشد؛ درحالی‌که هم‌اکنون محتوای آموزشی کتاب‌های مورد بررسی عکس این فرایند را در خود داشته و تا حد زیادی نگاه اقناعی در آن نادیده گرفته شده. اما اگر قصد آن باشد که طی فرایند جامعه‌پذیری تأثیر پایداری بر نگرش و نهایتاً منش دانش آموزان گذاشته شود، اطلاع‌رسانی تنها شناخت اولیه دانش آموزان را ممکن است متأثر سازد. این در شرایطی است که شیوه‌های اقناعی و در مرحله بعد روش‌های آموزشی مبتنی بر اقناع اولیه می‌تواند کارآمدی بیشتری در خصوص جامعه‌پذیری موفق داشته باشد. بنابراین به نظر می‌رسد که اساساً رویکرد

کتب درسی سود جستن از شیوه‌های جامعه‌پذیرانه و عمقی نبوده و صرفاً انتقال اطلاعاتی مدنظر است که مشخص نیست با چه هدف مشخص رفتاری طراحی شده و یا اصلاً تا چه حدودی این اطلاعات در ذهن دانش آموزان دوام و ثبات خواهد داشت. با توجه به غلبه گفتمان اطلاع‌رسانی بر مباحث مورد بررسی در کتاب‌های علوم اجتماعی مدارس، می‌توان گفت که این مباحث در حد یک یادآوری و مرور محدود می‌شود و در این صورت نمی‌تواند در حد اقلناعی - آموزشی که در آینده منجر به تغییر یا اصلاح الگوی رفتار مصرف و سبک زندگی متناسب با شرایط کشور ما در مقوله آب و اهمیت آن باشد.

دیگر یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که ۳۴/۵ درصد مطالب به صورت نصف صفحه و ۳۴/۵ درصد به صورت یک پاراگراف بوده و ۳۱/۰ درصد کمتر از یک پاراگراف را به خود اختصاص داده‌اند. در خصوص نحوه ارائه مطالب مربوط به آب ۴۴/۸ درصد متن همراه طرح، ۳۴/۵ درصد متن همراه با عکس، ۱۷/۲ درصد متن و ۳/۴ درصد طرح به تنهایی بوده است. از سوی دیگر ۴۱/۴ درصد مطالب مربوط به آب بدون ذکر مصرف‌کننده آب، ۳۴/۵ درصد مصرف کشاورزی و ۲۰/۷ درصد مصرف خانگی و تنها ۳/۴ درصد مصرف صنعتی ذکر شده است.

حفظ منابع طبیعی به تنهایی کافی نیست در این شرایط آموزش و آگاهی بخشی نقش مهمی در فرآیند مصرف بهینه آب دارد، چرا که تشویق به حفظ منابع طبیعی مشکل است به دلیل این که مردم از این که آب مصرفی‌شان چگونه و از کجا ناشی می‌شود مطمئن نیستند و بنابراین برای درک نقششان در صرفه‌جویی و مصرف بهینه آب، نیاز به آموزش و اطلاعات بیشتری درباره استفاده از آب و نقش شهروندان در صرفه‌جویی در مصرف آب دارند، که این آگاهی بخشی به تغییر الگوی رفتاری خواهد انجامید. آموزش و پرورش یکی از محمل‌های ایجاد چنین فضاها و فرصت‌هایی است که می‌تواند نقش مهمی را در فرآیند جامعه‌پذیری دانش آموزان داشته باشد و در نهایت در تغییر الگوهای رفتاری جامعه اثرگذار است. این در حالی است که در کتاب‌های علوم

اجتماعی مقاطع مختلف تنها ۲ مطلب به موضوع صرفه‌جویی و ۱ مطلب در زمینه استفاده بهینه در مصرف آب پرداخته شده است. از سوی دیگر در کتاب‌های علوم اجتماعی در مقاطع مختلف هیچ فصلی اختصاصی به موضوع آب پرداخته نشده است و تنها در فصل ۹ کلاس هفتم یک درس به موضوع منابع آب و خاک پرداخته و نه به مسئله صرفه‌جویی در مصرف آب. بنابراین حتی بحث اطلاع‌رسانی آب در کتب درسی بررسی شده، کاملاً به اطلاعات کلی در خصوص آب محدود بوده و عملاً آگاهی بخشی در موضوعات تصحیح و تغییر رفتار مبتنی بر صرفه‌جویی را شامل نمی‌شود. گویی طراحان برنامه درسی و نویسندگان محترم کتب یادشده اساساً استفاده بهینه و صرفه‌جویی در مصرف آب را به‌عنوان مسئله جامعه در نظر نگرفته‌اند. پایان این بی‌توجهی نظام آموزشی، غفلت از پراهمیت‌ترین و چالش‌زا ترین مسئله کشور در آینده است، چالشی که اگر اکنون و از طریق آموزش و پرورش به فکر آن نباشیم، مدیریت آن در آینده کار راحتی نخواهد بود. پرسش اینجا است که نظام آموزشی ما چه زمانی می‌خواهد به فکر این موضوع باشد؟ آیا هم‌اکنون نیز دیر ن شده است؟

این یافته‌ها نشان می‌دهند که برنامه‌ریزان درسی بدون توجه به ارزش‌های سنتی جامعه و متأثر از نوسازی آمرانه، توسعه را خطی دیده و این نوع نگاه را می‌توان در متون درسی ردیابی کرد و آنچه در این فرآیند رخ می‌نماید مصرف فزاینده متأثر از الگوی نوسازی است.

به‌صورت خلاصه این یافته‌ها حکایت از توجه ناچیز برنامه‌ریزان آموزشی به این موضوع حیاتی دارد و این امر در فرآیند جامعه‌پذیری دانش‌آموزان مغفول مانده و سبک زندگی مبتنی بر مصرف بهینه آب را دچار اختلال می‌کند. چرا که سبک زندگی هر فرد رابطه مستقیم با نوع، نحوه و میزان مصرف آن فرد دارد که آن‌هم متأثر از فرآیند جامعه‌پذیری او است. تغییر سبک زندگی فردی که تعیین‌کننده الگوی مصرف فرد است در نهایت به تغییر الگوی مصرف تمام جامعه منجر می‌شود. بر اساس آنچه گفته شد، باید برنامه‌ریزان آموزشی در تدوین کتب درسی به‌خصوص کتاب‌های علوم اجتماعی

توجه بیشتری به الگوی مصرف به‌طور عام و مصرف بهینه آب به‌طور خاص با توجه به شرایط جغرافیایی و کمبود منابع آبی کشور داشته باشند، این در حالی است که جان دیویی به‌حق مدرسه را فضایی می‌دانست که در آن دانش‌آموزان مهارت‌های اجتماعی را برای زندگی آینده باید فراگیرند (دهقان و متین، ۱۳۹۴: ۱۸۰).

به اعتقاد نویسندگان دانش‌آموزان در مدارس نه تنها باید مهارت‌های اجتماعی را برای زندگی آینده فرا بگیرند، بلکه باید آن را درونی کنند. بدین گونه و در حقیقت با توسل به سازوکارهای اجتماعی کننده است که آموزه‌های اجتماعی برای زندگی آینده جزئی از منش آن‌ها خواهد شد. فرجام چنین فرایندی است که به صورتی کارآمد و کم‌هزینه جامعه و نسل آینده را در جهت نیل به زندگی به‌گرا، مدیریت خواهد کرد. باید حتی گامی فراتر نهاد و یادآور شد که این مهم فقط با کتب درسی محقق نمی‌شود، بلکه ابزار و مجرای اصلی تحقق آن برنامه‌های آموزشی غیررسمی است که گاه به‌غلط از آن با نام فوق‌برنامه یاد می‌شود، درحالی‌که به رأی نگارندگان عین برنامه درسی و حتی بخش مهم آن است. به امید آنکه روزی چنین نگاه و نگرشی در طراحان برنامه آموزشی، آموزش و پرورش کشور شکل گرفته و اجرایی شود.

منابع

- پوررضا کریم سرا، ناصر (۱۳۹۲). تأثیرپذیری تغییرات فرهنگی و سبک زندگی از فضاهای مجازی، *فصلنامه رسانه‌های نوین و فرهنگ*، سال اول، شماره ۳.
- حیدری، فرناز. (۱۳۹۴)، کم‌آبی؛ هشدار برای ۱۴ کشور خاورمیانه، *روزنامه جام جم*، شماره ۴۳۷۵.
- دهقان، حسین؛ متین، نعمت‌الله. (۱۳۹۴)، *دانشنامه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. تهران: انتشارات مدرسه.

- دهقان، حسین. (۱۳۸۳)، *توسعه انسان‌محور و آموزش و پرورش به آفرین، آموزش و پرورش و گفت‌وگوهای نوین*، تهران: انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- دهقان، حسین. (۱۳۹۰)، *جامعه‌پذیری آموزشی پیش‌نیاز آفرینش دانش: بحثی در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، نامه علوم اجتماعی*، فصلنامه دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، دوره ۱۸ شماره ۳۸.
- دهقان، حسین؛ پوررضا کریم‌سرا، ناصر. (۱۳۹۵)، *عوامل موثر بر سرانه مصرف آب خانواده‌های تهرانی، راهبرد اجتماعی فرهنگی*، سال پنجم شماره ۱۹.
- رابرتسون، یان. (۱۳۷۴)، *درآمدی بر جامع، ترجمه: حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی*.
- راش، مایکل. (۱۳۷۷)، *"جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی"*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ریتزر، جرج. (۱۳۸۴)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- شوتار، سوفی. (۱۳۸۶)، *شناخت و درک مفاهیم جغرافیای سیاسی*، ترجمه: سید حامد رضیعی، تهران: انتشارات سمت.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۹۰)، *فروهستگی ده و کژیالشی شهر ایرانی (کاهندگی فرهنگ تولیدی و افزایش فرهنگ مصرفی در ایران)*، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، سال ۱، شماره ۲.
- فرهادی، مرتضی الف. (۱۳۶۴)، «حضور آب در آینه‌های ایرانی»، *ماهنامه آبریان*، شماره ۳.
- فرهادی، مرتضی ب. (۱۳۶۴)، «عروس آب»، *ماهنامه آبریان*، شماره ۴.

جامعه‌پذیری مصرف آب در آینه کتب درسی ... 311

- کریپندورف، کلوس. (۱۳۷۸)، *مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا*، ترجمه: هوشنگ نآیینی، تهران: انتشارات روش

- کلانتری، عیسی. (۱۳۹۳)، *مدیریت نامناسب عامل مهم بحران کنونی دریاچه ارومیه است*، مصاحبه دبیر ستاد احیای دریاچه ارومیه با خبرگزاری ایرنا ۸/۹۳/۶.

- کوزر، ل. (۱۳۸۵)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

- گلشن فومنی، م. ر. (۱۳۸۲)، *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، تهران: نشر دوران، چاپ سوم.

- مکنون، رضا. (۱۳۹۳)، بحران آب، چالش‌ها و راهکارها، آب مجازی و تجارت آن، دفتر توسعه پایدار دانشگاه صنعتی امیرکبیر، گروه آب و توسعه پایدار، *مجموعه سخنرانی*، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری.

- هولستی، آل. آر. (۱۳۷۳)، *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه: نادر سالار زاده امیری، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

- Berelson, Bernard, Paul F. Lazarsfeld, and William McPhee. (1954).

Voting. Chicago University of Chicago Press.

- David, E. (2005). *The Question Environment*, London and New York: Routledge.

- Mead, George Herbert. (1934). *Mind Self and Society: Section 20 play, the game, and the Generalized Other*. Retrieved from:

www.drocku.ca/Mesdproject/Meam/pubs2/mindself/Mesd_1934_20.htm

- Sándorová, Zuzana. (2014). Content Analysis as a Research Method in Investigating the Cultural Components in Foreign Language Textbooks, *Journal of Language and Cultural Education*, 2(1)

- <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930826001177>
- <http://www.donya-e-eqtasad.com/news/744581/#ixzz3MnnAQ8kG>
- International Monetary Fund. (1015). *Issues in Managing Water Challenges and Policy Instruments: Regional Perspectives and Case Studies*

